ترور ناجوانمردانهٔ فرهنگی مبارز و متعهد کرمان

توسط ایادی ارتجاع

"اذاالمؤودة سئلت بای ذنب قتلت" و "اذاالصحف نشرت"

"آنگاه که از آن استعداد زنده به گور و پرپرشده پرسیده شود که به کدامین گناه کشته شده و آنگاه که نامه‌ی اعمال گشوده شود."

در آن روز و روزهای بعد از آن، هجوم سراسری ارتجاع به ما شروع شد. "منافق" و "ضد انقلاب" و بدتر از کافر و مهدورالدم فلمداد شدیم. چرا که گفته بودیم:

" ما اطلاع داریم که نیروهائی دست اندرکار تدارک مقدمات تروریسم هستند و ما برای ریشه‌کنی آن حاضر هستیم بقدر خودمان به مقامات کمک کنیم"

هم‌چنین می‌دانستیم و مسعود نیز به صراحت، در اسفندیه اعلام کرد که:

" وقتی جماق موثر نباشد تروریسم رشد خواهد کرد... و تروریسم واکنش‌های اجتناب‌ناپذیری دارد که در آن صورت عین لبنان..."

جماق‌داری در این ۸ ماه گذشته، از مردم ما و بالاخص مجاهدین، شهدای بازهم بیشتری گرفت، در حالی که مقامات به اصطلاح مسئول به سکوت رضایت‌آمیز خود ادامه دادند.

از آن روز تا کنون شاهد نمونه‌های متعدد و فراوانی از ترور، آدم‌ربائی و شکنجه در خانه‌های مخفی به اصطلاح "امن" (نظیر خانه‌های امن ساواک) بوده‌ایم، که در شماره‌های گذشته‌ی مجاهد بعضی از آن‌ها را ذکر کرده‌ایم.

دراین مدت در تبریز یادی موسوی تبریزی به‌اصطلاح حاکم شرع و نماینده‌ی مجلس "کمیته‌ی ۳۰" تشکیل داده و به‌ترور پرداخته‌اند ودر شیراز برادری را ربوده و با آتش سیگار بر دست‌های او عبارت "زنده باد خمینی" را نوشته‌اند در تهران نیز لاجوردی (به اصطلاح دادستان انقلاب) خود رسما و علنا وارد معرکه شده و فرماندهی جماق‌داران را به عهده گرفته است و در گیلان و مازندران نیز کمتر هفته‌ای است که در روز روشن دشنه‌ای به قلب هواداری فرو نرفته باشد.

اما معلوم بود که دامنه‌ی انحصارطلبی مرتجعین و جماق‌داری و قدارگشی لازمه‌ی آن، به اعضاء و هواداران نیروهای انقلابی محدود نخواهد ماند و نماند.

آن چه که به دنبال خواهد آمد، شرح ترور و جنایتی سیاسی است که توسط و با هدایت مسئولین نهادهای به اصطلاح انقلابی صورت گرفته است:

شرح ماجرا

در بعد از ظهر ۵ شنبه ۱۶/ بهمن/۵۹ هنگامی که علی فدائی، یکی از معلمین کرمان، از مدرسه به خانه‌اش می‌رفت، در نزدیکی منزلش توسط عده‌ای مسلح که سوار ماشین بدون شماره‌ی نوبوده‌ای کارینا قهوه‌ای رنگ بوده‌اند، به رگبار بسته می‌شود و به‌شهادت می‌رسد. کمی بعد نیز یکی از اکیپ‌های کمیته‌ی انقلاب اسلامی کرمان در محل حاضر شده و پس از جمع‌آوری بوکه‌ها محل را ترک می‌کند! سوابق مبارزاتی این فرهنگی شهید به دوران رژیم سابق و فعالیت در راهپیمائی‌ها، تظاهرات و تحصن‌های حق‌طلبانه‌برمی‌گردد. مردم کرمان و به خصوص فرهنگیان و دانش آموزان، شهید علی‌فدائی را که ضمنا عضو شورای شهر نیز بوده، به خوبی و به حسن سیرت می‌شناسند.

واقعیت اینست که شهید علی فدائی به هیچ گروه و سازمانی وابسته نبود. اما در عین حال او فرهنگی متعهدی بوده که حاضر به سکوت در برابر زورگویان و انحصارطلبان نمی‌شد و همین برای اجرای حکم اعدام او کافی است!

سابقه ماجرا

برای اطلاع دقیق‌تر از قضایا لازمست کمی به عقب برگردیم:

اواخر آذرماه گذشته "فهیم"، رئیس به‌اصطلاح دادگاه انقلاب اسلامی کرمان به دنبال عملکردهای شدیدا ارتجاعی‌اش کلیه‌ی مدیران مدارس کرمان را به اتفاق مدیر کل آموزش و پرورش آن شهر به دادگاه انقلاب اسلامی فراخوانده و در تالار سخنرانی آنجا، ضمن تهدید آنان، رسما اظهار می‌دارد که قطعه زمینی در گوشه‌ی دیگر شهر از سپرداری خواهد گرفت و مدیران و معلمان منحرف و خائنی را پس از اعدام انقلابی! در آن زمین دفن خواهد کرد.

فهیم در این جلسه، اساسا بدون‌این که در زمینه‌ی آموزش و پرورش و حتی نظم و ترتیب آن، اختیارات قانونی داشته باشد، معلمین را تهدید می‌کند و ضمن آن می‌گوید که شنیده‌ام در مدارس اسامی‌هائی خوانده می‌شود که در آن، به مقامات مملکتی توهین و بی‌حرمتی شده است و از آن‌ها می‌خواهد که جلو این گونه مسائل گرفته شود.

در همین جلسه مدیر کل آموزش و پرورش آقای ابراهیمش که خود نیز روحانی بوده ولی حاضر به تسلیم و سکوت در برابر جنایات مرتجعین نشده است، بلند شده و ضمن اعتراض به سخنان فهیم خطاب به معلمین می‌گوید:

" من با استعفایم اولین قدم را برداشتم" و سپس جلسه را ترک می‌کند. کمی بعد فهیم در نماز جمعه، همان نیدبدات و لحن‌براکتی‌ها را سپها به تناسب شرایط علمی تکرار می‌کند. ولی بارهم با اعتراض عده‌ای از فرهنگیان و مردم حاضر در نماز روبرو می‌شود.

طرح مساله در نماز جمعه دقیقا به منظور عوامفریبی و تحریک و نیز توجیه چماق‌داری‌های تدارک دیده شده بوده که با مقاومت و افشاگری فرهنگیان متعهد خنثی می‌شود.

به دنبال شکست این توطئه، فهیم اعلام می‌کند که "من استعفا می‌دهم" و به ظاهر هم برای پی‌گیری استعفایش راهی تهران و قم می‌شود. اما واقعیت چیز دیگری بود.

فهیم که با افشاگری‌های فرهنگیان در نماز جمعه کارد چماق‌داری و قمه‌کشی‌هایش به سنگ خورده و موضعش تضعیف و دستش رو شده است، به تهران نزد "بزرگتر"هامی‌رود تا:

اولا: با دست پر و پشتوانه‌ی محکم و به اصطلاح تائیدیه مجدد برگردد، که بر می‌گردد!

ثانیا: از صدر نشینان قم و تهران برای ادامه‌ی سرکوب، "خط" و راهنمائی بگیرد.

تشکیل جوخه‌های ترور

در بازگشت فهیم به کرمان است که جوخه‌های ترور که از قبل هم زمینه‌ی آن را آماده کرده بود، شکل می‌گیرد.

اولین گام با برکناری حجت‌الاسلام ایران‌منش، مدیر کل آموزش و پرورش که حاضر به تمکین نشده، شروع می‌شود.

گام بعدی انتصاب فردی است به نام فرشیدی به جای ایشان که از تهران اعزام می‌شود. این فرد سوابق درخشانی در نوچگی و اطاعت از مرتجعین حزب حاکم داشته و در رادیو ـ تلویزیون تهران نیز در این زمینه امتحان خود را پس داده است. فرشیدی کمترین صلاحیت سیاسی و حتی علمی برای این مسئولیت نداشته و طبعا مورد اعتراض فرهنگیان قرار می‌گیرد.

با مقاومت و پافشاری فرهنگیان کرمان و در تماس با تهران، قرار می‌شود که خود فرهنگیان از میان خودشان سه نفر را انتخاب و معرفی کنند تا از میان آنان، مدیر کل آموزش و پرورش انتخاب شود.

این مقاومت و اعتراض راجهره‌های شناخته شده‌ی مسلمان و سازری نظیر محمدرضا سازرادد، جلال کمالی و شهید علی فدائی ونعدادی دیگر از معلمان که هرکدام دارای سوابق روشن و سابقه مبارزاتی هستند، هدایت می‌کردند.

فی‌المثل محمدرضا مبارزاده در طول سال‌های اختناق پهلوی به خاطر اعتراضات و مبارزاتش بارها دستگیر، مضروب و تبعید شده است که آخرین مورد آن به هنگام وقایع مسجد کرمان بود.

کمالی نیز در دوران انقلاب از فرهنگیان مبارز بوده و به دلیل حس شهرت‌بعد از انقلاب به عنوان اولین شهردار کرمان‌انتخاب می‌شود. و هم‌چنین است سوابق شهید علی فدائی.

با انتخابات شورای معلمان‌کرمان، فهیم احساس خطر کرده و از ابتدا رسما بنای مخالفت را شروع می‌کند. فهیم علاوه بر تهدیدهای قبلی، علنا این فرهنگیان را به ترور و اعدام تهدید می‌کند. فرهنگیان مبارز نیز متقابلا به مقاومت می‌پردازند.

از جمله در اجتماعی که در هنرستان اقبال کرمان برگزار می‌شود، شهید علی فدائی به سخنرانی پرداخته و به افشای ماهیت و عملکردهای انحصارطلبان و شخص فهیم می‌پردازد.

در همین جلسه یکی از ایادی فهیم، صریحا شهید علی فدائی را تهدید کرده‌و در حضور عده‌ای به وی می‌گوید:

" اگر دادگاه انقلاب شما را محاکمه نکند ما خود شما را محاکمه خواهیم کرد"

و در تاریخ ۵ سنبله ۱۶/ سپتس/ ۵۹ نیز سرانجام شهید علی فدائی به رگبار گلوله‌های ایادی فهیم در به اصطلاح دادگاه انقلاب، بسته شده و سنبله می‌شود.

دادگاه انقلاب اسلامی هندست بروبسها

مردم کرمان که از این همه وحشی‌گری و جنایت به خشم آمده بودند، با اجتماع بی‌نظیر خود در مراسم تشییع جنازه‌ی شهید علی فدائی نیز خود را از فهیم و ایادی او ابراز می‌دارند. شهر کرمان یکپارچه تعطیل می‌شود و جنازه‌ی شهید علی فدائی در حالی که توسط حدود ۱۵۰ هزار نفر از مردم همراهی می‌شد، به روی دست به گورستان برده می‌شود مرتجعین که از حسد شهید هم وحشت دارند سعی می‌کنند در مراسم اخلال کنند که موفق نمی‌شوند، سیم‌های بلندگوها را قطع می‌کنند، اما بازهم مراسم‌ادامه پیدا می‌کند.

جمعیت خشمگین فریاد می‌زند:

" این سید جنایت ارتجاع است" و یا "فهیم جنایت می‌کند، پاسدار حمایت می‌کند" و "علی فدائی رزمنده مسلمان، شهادتت مبارک"

مرتجعین که با خشم و نفرت عمومی مواجه شده و هم‌چنین عزم یاران شهید را مشاهده می‌کنند، عده‌ای را بسیج کرده و به جان مردم می‌اندازند. بعد هم تعدادی

سرویس‌ها بعدا اطلاعیه‌ای را در سپر بحس می‌کنند که در قسمت‌هائی از آن چنین آمده است:

" بارها از طرق مختلف به این ضد انقلابیون هشدار داده شد اما نه تنها نتیجه‌ای نبخشید؛ بلکه به مقدسات مذهبی ما اهانت کرده... دانش‌آموزان و فرهنگیان را علیه انقلاب اسلامی تحریک کرده و در بعضی سخنرانی‌ها شدیدا به اسلام و ارکان‌های انقلابی تاخت‌و تاز کرده‌اند.

ما این‌فرد را در دادگاهی انقلابی و اسلامی غیابا محاکمه و به اعدام محکوم‌نمودیم. همسایه دو تن دیگر از مسلمان‌نماهای منافق به نام‌های محمد رضا مبارزاده و حسین جلال کمالی اخطار می‌کنیم... والا به سرنوشت رفیقشان دچار خواهند شد"

از معلمین مبارز و منجمله آقایان مبارزاده و کمالی و ... را تحت عنوان محرک دستگیر می‌کنند. و از این طریق آن‌چه که تروریست‌ها در اعلامیه‌شان نوشته بودند، مو به مو اجرا می‌شود. روزنامه‌ی فوق ارتجاعی حزب حاکم نیز که در ابتدای جریان سکوت کرده بود سرانجام صبح دوشنبه ۲۰ بهمن/ ۵۹ کشف شهود کرده خبر از دستگیری "مسببین اغتشاشات کرمان می‌دهد" و البته هر آن چه که لایق و سزاوار خودشان است، به این فرهنگیان مبارز نسبت می‌دهد.

مسبب اغتشاشات بوده و ضد انقلاب هستند، با آن‌ها که از حقوق حقه‌ی خود دفاع می‌کنند؟ و به راستی "منافق" و سون پنجم کیست؟

– آیا مسابهت اسامی افرادی که درلیست تروریست‌ها نامشان آمده با افرادی‌که توسط به اصطلاح دادستانی انقلاب تحت عنوان محرک دستگیر شده‌اند، تصادفی است؟

– آیا مردم کرمان به اراجیف دادستانی می‌خندند و آیا دست‌های حسابگار فهیم رئیس به اصطلاح دادگاه انقلاب کرمان و بالاتر از آن سرانگشتان حزب ارتجاعی حاکم، در پشت این قتل وجود ندارد؟

"و اذا الموؤده سئلت بای ذنب قتلت

جمهوری اسلامی

دوشنبه ۲۰ بهمن‌ماه ۱۳۵۹

مسببین اغتشاشات دیروز کرمان دستگیر شدند

● حسین جلال کمالی یکی از دبیران ساواکی که مسبب حوادث دیروز است در بازداشت بسر می‌برد

● یکی از دستگیرشدگان مبارزاده می‌باشد که اول انقلاب مسئول کشف اسامی ساواکی‌ها بوده و نام جلال کمالی ساواکی را از بس می‌برد

در صفحه ۲

درحاشیه:

– آیا آن‌ها که جوخه‌ی ترور و اعدام تشکیل می‌دهند

و اذا الصحف نشرت

باشد تا روزی که تمامی پرونده‌ها گشوده شود.

مجاهد

نقل از مجاهد شماره ۱۰۹